

## زن در نگاه وحی

احمد ترابی

مباحث مربوط به «زن» از یک سو، حجم قابل توجهی از مباحث فکری و پرسشها و پاسخهای دینی را به خود اختصاص داده و از سوی دیگر در عصر حاضر از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی و اظهار نظرهای جدی قرار گرفته است و این همه می‌طلبید که «پژوهشهای قرآنی» تا آنجا که مجال دارد به موضوع زن از نگاه آیات بپردازد و گفت و گو و پژوهش را ناتمام نگذارد.

بر این اساس در این شماره نیز همانند شماره پیشین، بخش موضوعی فصلنامه را به موضوع زن در قرآن اختصاص داده ایم، که در استمرار آن نگاه، پیگیر مباحثی است که همچنان طرح آنها سودمند می‌نماید، و البته اذعان داریم که مباحث اعتقادی - دینی - اجتماعی مربوط به «زن» بسی گسترده تر و سخن خیزتر از اینهاست.

اکنون در آغاز این نگاه دوباره، به فراخور این مجال، آستانه سخن را با چشم اندازی دیگر می‌گشاییم.

### «زن» از منظر آفریدگار

شاید تعبیر «منظر» درباره خداوند، تعبیری دقیق نباشد، ولی در تنگنای الفاظ بشری و در گفت و گوی انسانی، می‌تواند مجاز باشد و ما را در رساندن مقصود یاری دهد.

«زن» مانند «مرد» و یا هر موجود دیگری که حق حیات و وجود یافته است - در نظر دین - قبل از هر چیز و پس از هر چیز، آفریده خدا است؛ آفریده ای که خداوند، به عنوان خالق و آفریننده و پدید آورنده، بدان مباهات کرده و از منابع دینی چنین بر می‌آید که در شرایطی خاص، خداوند به وجود بندگانش افتخار می‌کند!

فهم ژرفای آن مباهات و این افتخار، چه بسا با مفاهیم و الفاظ و تجربه های بشری چندان میسر نباشد، اما بی آن که قصد سفر به ژرفای این مفاهیم را داشته باشیم، حتی دلالت ظاهری این آیات و روایات، می‌تواند ما را یاری دهد.

اگر خداوند - به خاطر آفرینش انسان - به خود تبریک می‌گوید و آن را در تاریخ فرهنگ دیانت، برای همیشه به ثبت می‌رساند که «فتبارک الله أحسن الخالقین» (مؤمنون/۱۴) هرچند سیاق آیه در زمینه آفرینش تدریجی و متقابل انسان است، اما تبریک و مباهات الهی نسبت به آفرینش خود عام و فراگیر است، چرا که نتیجه اعتقاد به علم و حکمت و قدرت بی پایان خداوند، این است که بگوییم همه آفریده های او - از ریزترین تا عظیم ترین آنها - از آفرینش بهینه برخوردارند. همه جوشیده از چشمه فیاض لطف و رحمت او هستند و جز به خیر و خوبی آفریده نشده اند.

«الذی أحسن کلّ شیء خلقه» سجده/۷

آن که نیکو گردانید هرچه را که آفرید.

و البته این موضوع در خصوص انسان - به دلیل ادراک و فهم او - بیشتر مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.

«لقد خلقنا الانسان في أحسن تقويم» تین/۴

هرآینه انسان را در بهترین ساختار آفریدیم.

در این آیات که سخن از بهترین آفرینش به میان آمده، موضوع سخن، «انسان» است نه «آدم» و نه «جنس مذکر». فشرده سخن این که خداوند، به عنوان آفریننده و پدید آورنده دانا، حکیم و توانا، اساساً به حکم عقل نمی تواند پست، حقیر و ضعیف بیافریند، بلکه در مرحله آفرینش «قویم» و استوار، محکم و بهینه می آفریند و اگر در مواردی سخن از «ضعف» آنان به میان می آورد در مقام کاستن از انتظاراتها و تکالیف آنهاست و نه درصدد تحقیر و کوچک شمردن آنان!

«یرید الله أن یخفف عنکم و خلق الإنسان ضعيفاً» نساء/۲۸

خداوند می خواهد که بر شما آسان گیرد، و انسان ناتوان آفریده شده است.

شاید بتوان محبت پروردگار به آفریدگان را با تشبیه عشق ورزی مادر نسبت به فرزندان فهم کرد که آنان را در هر حال - چه سیاه و چه سفید، چه زیبا و چه زشت - دوست دارد.

پنهان نیست که این شیفتگی و محبت زلال و خالص، خود نمی از یم آن محبت بی کران و حبّ ازلی است که در سازمان هستی به تناسب ظرفیتهای و نیازها به ودیعت نهاده شده است.

بیگانگان برای فرزند این مادر، ده ها و صدها عیب بر می شمارند، برخی او را دوست و گروهی او را دشمن می دارند. بعضی او را جذّاب و یکسره خیر، و دسته ای او را مایه نفرت و شرّ محض می شمارند، ولی اینها همه از نگاه بی مهر یا خودخواه بیگانگان است. فرزند برای مادر زیبا و دوست داشتنی است. و مخلوق برای خالق، محبوب و عزیز است.

این لحن و بیان قرآن را بنگرید:

«فارجع البصر هل ترى من فطور» ملک/۳

پس نگاهی دوباره افکن. آیا کاستی و فروافتادگی می بینی؟

این بجاست که اهل کلام از این دست آیه ها در مباحث توحیدی و اعتقادی بهره می جویند، اما در ورای این بیان استدلالی، مباهات آفریننده به آفریده های خود، جلوه گر است.

با این نگاه، زن همانند مرد، نزد خداوند موجودی بایسته، کامل،

و آفریده ای بهینه و محبوب است. و اگر گروهی نامهربانانه به وی نگریسته اند، مرد را اصل و زن را فرع و طفیلی معرفی کرده اند، و یا خودخواهانه به نقد و تحلیل برنامه ریزی تکوینی آفرینش و سازماندهی اجتماعی دین پرداخته و خویش را مهربان تر از خداوند شمرده اند و به منظور جبران کمبودهای خیالی و تدارک ضعفهای پنداری و مقابله با موقعیتهای گذشته زنان در تاریخ، زن محوری را شعار قرار داده و به نگرشهای افراطی - فمینیستی کشیده شده اند، همه و همه نگاه هایی از بیرون و تحلیلهایی بیگانه با روح خداشناسی بوده است.

تفاوت یا تبعیض

تفکیک میان تفاوت و تبعیض، شیوه ای دیرپا در بیان عدل الهی در آفرینش است.

انکار نمی توان کرد که در مظاهر هستی و از جمله وجود و زندگی انسان و... تفاوت‌هایی مشهود، طبیعی و جبری وجود دارد؛ چه اینکه ضرورت نظام جهان و عالم ماده، تنوع، تکثر، تفاوت، تقدم و تأخر است و برگرفتن این ویژگی‌ها از نظام طبیعت و عالم ماده، به نفعی آن می انجامد. ولی همواره تأکید شده است که این تقدم و تأخرهای طبیعی و این تفاوت‌های صوری، هرگز نشانگر منزلت و محبوبیت و تعیین کننده میزان آن نزد خداوند نیست، بلکه منزلتها و محبوبیت‌های اکتسابی، همواره در پرتو انتخاب‌های آگاهانه و اختیاری انسان صورت می گیرد.

وجود این تفاوت‌های طبیعی هرچند ناگزیر به بخشی از توانمندی‌ها و امتیازهای ظاهری کشیده می شود، اما خداوند از دو طریق به تعدیل این تفاوتها و برقرار ساختن عدالت پرداخته است:

۱. عوامل تکوینی مانند محبتها، جاذبه‌ها و الفتها.

۲. عوامل تشریحی، مانند احکامی که انسانها را به عدل و انصاف و مهرورزی و پرهیز از ستم فراخوانده است.

نگرش‌های افراطی فمینیستی عصر حاضر، زائیده عملکرد تفریطی و فزون طلبانه و خودخواهانه گروه‌ها و فرهنگ‌های اجتماعی گذشته است که متأسفانه برخی از این برداشتهای ناهنجار و تبعیض طلبانه به ادیان آسمانی نسبت داده شده است!

آنچه زمینه این سوء تفاهم را پدید آورده، عوامل مختلفی است که برخی از آنها را چنین می توان یاد کرد:

- الف. برداشتهای ناقص از کلام وحی و برخورد گزینشی با آیات الهی.
- ب. درآمیختن تمایلات شخصی و منافع و گرایشهای فرهنگی - اقلیمی با آموزه های دینی و تفسیر دین به نفع فهم و تمایل خود.

معمولاً مردانی که در شرایط سخت اقلیمی و آب و هوایی زندگی می کنند و معیشت را به دشواری می گذرانند، به طور طبیعی خویی درشت پیدا می کنند و این طبیعت را در فهم و تحلیل رخدادها و تنظیم روابط اجتماعی و خانوادگی به کار می گیرند و در فهم و پذیرش آیات وحی، چه بسا تمایل بیشتری به جنبه های بازدارندگی آموزه های دینی پیدا کنند و ابعاد ملاطفت جویانه و نرمش گرایانه را نادیده انگارند.

چه اینکه در نقطه مقابل، کسانی که از رفاه بیش از معمول برخوردارند و زندگی را با کمترین دشواری و دغدغه تجربه می کنند نیز از واقع گرایی به دور می مانند و از درک تنگناها و ضرورتها باز مانده صلابت و استواری و پایمردی را به بهانه نرمش و نرمخویی، یکسره فرو می نهند! و چه بسا در مطالعه آیات قرآن، به گزینش دیگر دست می زنند و به توجیه آیات جهاد و مانند آن می پردازند.

افراط و تفریط در فهم، تحلیل و عمل، بیشترین لغزشهای آدمی را در طول زندگی رقم زده است. نزول تدریجی آیات، ناظر بودن بسیاری از آیه‌ها به شأن نزول‌ها و نیازهای تدریجی امت اسلامی در هر مقطع زمانی و مکانی، پراکندگی ابعاد و جوانب مختلف یک حکم در آیات مختلف، از جمله عواملی هستند که فهم کامل بینشها و نگرشهای دینی و وحیانی را نیازمند پژوهش همه جانبه و گسترده و قانونمند ساخته اند و کسانی که از این جامع نگری و اصول مندی سرباز زنند، خواه ناخواه گرفتار گزینش و تقطیع آیات و

کج فهمی پیامهای دینی می شوند.

نمونه این برخوردهای گزینشی و ناقص در مباحث کلامی و اعتقادی فراوان است، چنان که در زمینه جبر، اشاعره به آیاتی تمسک جسته اند که حکایت از حاکمیت مشیت مطلق خداوند دارد و در زمینه تفویض، معتزله به آیاتی روی آورده اند که می توانست ظاهراً مستند آنان باشد. در حالی که مکتب اهل بیت (ع) با نگاهی جامع به دستاوردهای عینی و واقع گرا اشاره داشته اند که: «لا جبر و لا تفویض، بل أمر بین الأمرین».

برداشت‌های گزینشی و تک بعدی، محدود به قلمروهای اعتقادی و کلامی نبوده است، بلکه مقوله «زن» و موقعیت اجتماعی و انسانی او نیز دستخوش چنین گزینشهایی بوده است. اگر خداوند به تناسب کارکرد و وظایفی که میان زنان و مردان در زندگی اجتماعی تقسیم کرده است، آفرینش زن را ظریف تر و ساختار بدنی و مقاومت روانی مردان را معمولاً مقاوم تر قرار داده و اگر در تنظیم روابط خانوادگی نوعی مدیریت را به مردان وا نهاده است، این همه سخن و ملاک همه احکام نبوده و نیست، بلکه خداوند، هم در نظام تکوینی و هم در نظام تشریح، اصولی بس بنیادی تر از این تفاوتها برای گرایش دادن زندگی بشر به سوی تعادل و عدل ورزی قرار داده است که اگر آن اصول نادیده گرفته شود، هیچ تدبیر جدی برای برقرار ساختن عدالت و پیشگیری از خشونتها و فزون طلبی ها نمی توان اندیشید.

اصول تکوینی خداوند در زندگی انسان که بشر را به عدل و درستی و محبت و عقلانیت و ملامت و انصاف فرا می خواند، فطرت و سرشت آدمی است که انسان، اهل انس و الفت و ادراک و محبت و معرفت آفریده شده است:

«و نفس و ما سواها. فאלهمها فجورها و تقویها» شمس/۷

سوگند به جان و آن که او را اعتدال بخشید. پس گناهکاری و پرهیزکاری بدو الهام کرد.

«فلا أقسم باللوأمة» قیامه/۲

سوگند به نفس ملامت گر.

اصول تشریحی خداوند، در آیات بسیاری از قرآن به مناسبت‌های مختلف یاد شده است که در آنها هر گونه ظلم نسبت به انسانها از ساحت قدس الهی دور شمرده شده است:

«و ما الله یزیدُ ظلماً للعباد» غافر/۳۱

و خدا هیچ ظلمی برای بندگان نمی خواهد.

«لا تظلمون و لا تظلمون» بقره/۲۷۹

نه ستم می کنید و نه بر شما ستم می کنند.

«إنّ الله لا یظلم مثقال ذرّة» نساء/۴۰

همانا خداوند به اندازه ذره ای ستم روا نمی دارد.

«إنّ الله لا یظلم الناس شیئاً و لكن الناس أنفسهم یظلمون» یونس/۴۴

خدا به مردم هیچ ستمی نمی کند، اما این مردم هستند که بر خود ستم می کنند.

این آیات و ده ها آیه دیگر نشان دهنده آن است که خداوند خود از هرگونه ظلمی مبرا است و از انسانها می خواهد که ظلم را زشت شمرده ستم نکنند و ظلم نپذیرند. این از امتیازات اندیشه دینی امامیه است که عدل الهی را دومین اصل از اصول اعتقادی خود دانسته و از میان همه صفات الهی

پس از اقرار به یگانگی خداوند، این صفت را محوری ترین و ریشه ای ترین صفات خداوند شمرده و بر آن تأکید ورزیده است.

اکنون، چگونه می توان عدل الهی را در نظام تکوین و احکام و قوانین شریعت معتقد بود و پذیرفت، ولی در عمل نسبت به زنان و احکام آنان و حقوق ایشان در جامعه دینی بی تفاوت بود و هرگونه برداشت و تحلیل از آیات و روایات را بدون سنجش با ملاک عدل و رحمت الهی و اسلامی، پذیرفت و مسلم شمرد.

اعتقاد به اصل عدالت و رحمت الهی همواره اقتضا داشته است که اگر اهل دیانت و تقوا بر حجاب و عفاف و پاکدامنی زنان تأکید داشته و به پاسداری از حریم خانواده همت ورزیده اند، بر رعایت عدل و انصاف نسبت به زنان و کودکان و رعایت حقوق انسانی و اجتماعی آنان نیز اصرار ورزند و جا داشت که پیش از ملل غرب به تأسیس سازمانهای

حمایت از حقوق زنان و کودکان اقدام کرده زمینه هرگونه زورگویی و استثمار و تحقیر و استضعاف را در جوامع اسلامی نسبت به زنان و کودکان از میان برچینند.

معنای این سخن، آن نیست که آنچه در غرب با عنوان حمایت از حقوق زنان و کودکان شکل گرفته است، یکسره انسانی و مورد پذیرش اسلام و مطابق مصالح خانواده و حتی خود زنان است، بلکه آنچه ایشان تدبیر کرده اند، بر اساس فهم و نیاز و فرهنگ خود آنان بوده است، ولی سزاوار بود که پیروان پیامبر رحمت که منش و روش او سراسر حکایت از لطف و توجه نسبت به انسانها - بویژه کسانی که در معرض ستم قرار داشته اند - دارد، برابر معیارهای دینی و قرآنی به احیای حقوق همه انسانها، از جمله زنان و کودکان اهمیت داده و سازمانهای اجتماعی را در آن جهت پی ریزی و تقویت نمایند.

